

# دکتر متیو اس. هارمون، فیلیپیان: در انجیل عیسی مسیح شاد باشید،

## جلسه ۱۳: کفایت خدا برای همه نیازهای ما - فیلیپیان ۴: ۱۰ - ۲۳

نوشته تد هیلدبرانت [BiblicaleLearning.org](http://BiblicaleLearning.org)

«من دکتر متیو اس. هارمون هستم در تدریسش در مجموعه فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید. این جلسه ۱۳ است، «کفایت خدا برای همه نیازهای ما». فیلیپیان ۴: ۱۰-۲۳.

به جلسه سیزدهم از مطالعه فیلیپیان خوش آمدید، با عنوان «کفایت خدا برای همه نیازهای ما». و این آخرین جلسه ما در فیلیپیان است. این جلسه فصل ۴، آیات ۱۰ تا ۲۳ را پوشش خواهد داد.

قبل از اینکه به آن بخش نگاه کنیم، خوب است آنچه را که در بخش قبل از آن، فصل ۴، آیات ۴ تا ۹، مجموعه‌ای از نصایح پایانی در انجیل یافتیم، به خودمان یادآوری کنیم. و پولس مجموعه‌ای سریع از دستورات را در مورد چگونگی به کارگیری انجیل در زندگی روزمره‌مان ارائه می‌دهد، به مسائلی مانند دعا و اضطراب و شادی می‌پردازد و اینکه چگونه باید ذهن خود را بر روی چیزهای خاص متمرکز کنیم و چگونه باید چیزهایی را که در انجیل می‌یابیم، به کار گیریم. بنابراین این زمینه را برای آنچه در اینجا در انتهای نامه در فصل ۴، آیات ۱۰ تا ۲۳ می‌یابیم، فراهم می‌کند.

قبل از اینکه متن را بخوانم، می‌خواستم چند نکته در مورد ساختار آن و برخی شباهت‌ها با بخش‌های قبلی فیلیپیان را برجسته کنم. بنابراین ساختار فصل ۴، آیات ۱۰ تا ۲۰، بر اساس این ایده است که مجموعه‌ای از تصدیق، توضیح و سپس توصیفگر وجود دارد. بنابراین شما این الگو را دو بار می‌بینید.

در تأیید، فیلیپیان نگرانی خود را نسبت به پولس دوباره زنده کرده‌اند. در توضیح، وقفه در بخشش ناشی از کمبود فرصت بوده است، نه کمبود مراقبت. و سپس توضیح: پولس از روی نیاز صحبت نمی‌کند زیرا او قانع است.

و سپس تصدیق بعدی: فیلیپیان با مهربانی در رنج پولس با او شریک شدند. توضیح اینکه، فیلیپیان سابقه طولانی در انجام این کار دارند. توضیح: پولس به دنبال خود هدیه نیست، بلکه به دنبال چیزی است که آن هدیه نمایانگر آن است.

سپس تصدیق نهایی: پولس سرشار از هدیه فیلیپیان است که مورد پسند خداست. توضیح: خدا فیلیپیان را تأمین خواهد کرد. و به جای یک توصیف، این بخش آخر با یک ستایش پایان می‌یابد که در آن خدا تمام جلال را برای همیشه و ابد دریافت می‌کند.

و این دقیقاً الگویی است که در آیات ۱۰ تا ۲۰ دیده می‌شود. و مفید است که هنگام مطالعه‌ی خود متن، این نکته را در نظر داشته باشیم. نکته‌ی آخر قبل از خواندن متن: حداقل چند مورد مشابه در این بخش وجود دارد، بنابراین فصل آیات ۱۰ تا ۲۰، با فیلیپیان ۱، آیات ۹ تا ۱۱، ۴.

بنابراین ما اینجا کمی همپوشانی واژگان می‌بینیم، درست است؟ در فیلیپیان ۱: ۹-۱۱، پولس درباره عشق آنها که بیشتر و بیشتر می‌شود صحبت می‌کند. و اینجا در فیلیپیان ۴، پولس درباره اینکه چگونه می‌داند چگونه باید تحقیر شود و چگونه باید فراوان شود صحبت می‌کند. و سپس همچنین در آیه ۱۲ درباره فراوانی صحبت می‌کند.

فیلیپیان ۱: ۱۱ به پر شدن از میوه عدالت اشاره می‌کند. و اینجا در فیلیپیان ۴: ۱۷ و ۱۸، پولس درباره جستجوی میوه‌ای که به اعتبار شما می‌افزاید صحبت می‌کند. و سپس اشاره می‌کند که او به خوبی تأمین شده است، که به اصطلاح، با دریافت هدایایی که اپافرودیتوس فرستاده بود، سیر شده است.

و در آخر، در فصل ۱ آیه ۱۱، دعا با این جمله به پایان می‌رسد: «به سوی جلال و ستایش خدا». و سپس در فصل ۴ آیه ۲۰ با این جمله به پایان می‌رسد: «خدا و پدر ما تا ابد جلال باد». آمین.

ساختار بزرگتر فیلیپیان را ببینیم. و با در نظر گرفتن این موضوع، آماده‌ایم تا فصل ۴ را بخوانیم، از آیه ۱۰ شروع می‌کنیم و تا انتهای نامه در آیه ۲۳ پیش می‌رویم. آیه ۱۰ با این جمله آغاز می‌شود: «من در خداوند بسیار شادمانم». شدم که اکنون، پس از مدت‌ها، دوباره توجه خود را به من از سر گرفته‌اید.

تو واقعاً نگران من بودی، اما فرصتی نداشتی. نه اینکه منظورم از بودن در درونم باشد، چون یاد گرفته‌ام در هر موقعیتی که هستم راضی باشم. می‌دانم چطور وسیع و فروتن باشم، و می‌دانم چطور در هر شرایطی اجازه بدهم.

من راز رویارویی با فراوانی و گرسنگی، فراوانی و نیاز را آموخته‌ام. من می‌توانم همه کارها را از طریق او انجام دهم که ایمان را تقویت می‌کند. با این حال، لطف کردی که در مشکل من شریک شدی.

و شما ای فیلیپیان، خود می‌دانید که در آغاز انجیل، هنگامی که من مقدونیه را ترک کردم، هیچ کلیسایی جز شما در دادن و گرفتن با من شریک نشد. حتی در تسالونیک، شما بارها و بارها برای کمک به زانوهایم فرستادید. نه اینکه من به دنبال هدیه باشم، بلکه به دنبال ثمرهای هستم که به اعتبار شما افزوده شود.

من تمام دستمزد را دریافت کرده‌ام و حتی بیشتر از آن را. من از هدایایی که شما فرستاده بودید، از اپافرودیتوس، که هدیه‌ای خوشبو و قربانی‌ای پسندیده و مورد رضایت خداست، به خوبی برخوردارم. و خدای من، تمام نیازهای شما را بر اساس ثروت خود در جلال در مسیح عیسی، برآورده خواهد کرد.

خدای پدر ما را تا ابد جلال باد. آمین. به همه مقدسین در مسیح عیسی سلام برسانید.

برادرانی که با من هستند به شما سلام می‌رسانند. همه مقدسین، به ویژه اعضای خانواده قیصر، به شما سلام می‌رسانند. فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما باد.

بنابراین، من این بخش را «کفایت خدا برای همه نیازهای ما» نامگذاری کرده‌ام. تمرکز اصلی بر آیات ۱۰ تا ۲۰ خواهد بود، اما در مورد سلام‌های پایانی در فصل ۴، آیات ۲۱ تا ۲۳ نیز صحبت خواهیم کرد. بنابراین، پولس دوباره، و نه در «این مرحله، با این جمله آغاز می‌کند»: «من در خداوند شادمان بودم».

به یاد دارید که در فصل ۴، آیه ۴، او فرمان داده بود که «همیشه در خداوند شاد باشید». «و حالا اینجا در آیه ۱۰ او با گفتن «من در خداوند بسیار شاد بودم» (این را الگو قرار می‌دهد. بنابراین، علت شادی پولس در اینجا، نگرانی دوباره فیلیپیان نسبت به او و خدمتش است.

و او تمام تلاش خود را می‌کند تا روشن کند که مشکل از فیلیپیان نبود؛ بلکه کمبود فرصت برای کمک مالی بود. بنابراین اینطور نیست که فیلیپیان نگران پولس نبودند؛ بلکه فقط فرصت‌های خاصی برای کمک مالی نداشتند. و این بخش جالبی است که پولس در اینجا به ما می‌دهد، زیرا برخی از مردم، هنگام خواندن این بخش، در واقع از آن به عنوان تشکر بی‌دریغ یاد کرده‌اند.

و اینکه او، به یک معنا، می‌گوید، از شما برای هدیه متشکرم. و با این حال، او مدام آن را توصیف می‌کند؛ او مدام می‌گوید، من سپاسگزارم، و با این حال، و سپس آن را توضیح می‌دهد یا مشروط می‌کند. بنابراین این یک تشکر غیرمعمول است.

اما اینطور نیست که او فاقد حس قدردانی باشد. در ادامه، سعی خواهیم کرد توضیح دهیم که چرا فکر می‌کنم پولس این شرایط را مطرح می‌کند و سعی دارد قدردانی خود و تعامل فیلیپیان با او را توضیح دهد. بنابراین، آنها نگرانی خود را دوباره زنده کرده‌اند؛ آنها از طریق اپافرودیتوس برای او هدیه‌ای فرستادند و او در پایان آیه ۱۱ در مورد یادگیری در هر شرایطی که هستم صحبت می‌کند تا راضی باشم.

بنابراین باید به ماهیت قناعتی که در اینجا مد نظر است فکر کنیم. منظور پولس از این حرف چیست؟ من معتقدم که قناعت، راضی بودن از هر آنچه خدا به ما داده است، است. این نقطه مقابل طمع است.

و بنابراین، این یک حالت پایدار از رضایت و اعتماد به نفس نسبت به آنچه خداوند برای ما فراهم کرده است، به جای حسادت و طمع مداوم به آنچه دیگران ممکن است داشته باشند، است. پولس استدلال می‌کند که رضایت، از این اعتماد عمیق و پایدار به نیکی و عنایت مطلق خداوند سرچشمه می‌گیرد. اگر رضایت ما ریشه در شرایط ما داشته باشد چه چیزهای زیادی داشته باشیم و چه نداشته باشیم، آنگاه خود را در حال حرکت در این ترن هوایی پر فراز و نشیب خواهیم یافت که هرگز پایان نخواهد یافت.

به نظر می‌رسد پولس این نوع مفهوم سکولار خودکفایی را به مفهوم مسیحی خداکفایی بازتعریف می‌کند. بنابراین اصطلاحی که پولس در اینجا به کار می‌برد در جهان باستان شناخته شده بود و حتی در برخی از محافل فلسفی به عنوان اصطلاحی برای فردی که خودکفا است، استفاده می‌شد. من به هیچ چیز از هیچ کس دیگری نیاز ندارم.

و این حداقل توسط برخی به عنوان یک هدف، به عنوان چیزی که باید به آن دست یافت، درک می‌شد. و اگر صادق باشیم، این را اغلب در فرهنگ خودمان امروز می‌بینیم. ما فکر می‌کنیم که رسیدن به کمال در زندگی، خودکفا بودن و بی‌نیازی از کمک کسی در هر زمانی است.

و البته، نوع خوبی از خودکفایی وجود دارد. ما می‌خواهیم مردم مسئولیت شخصی را بپذیرند، تا جایی که بتوانند نیازهای خود و از این قبیل چیزها را تأمین کنند. اما در واقع، این دروغی از جانب شیطان است که ما می‌توانیم کاملاً خودکفا باشیم و در زندگی خود به دیگران نیاز نداشته باشیم.

بنابراین، در ادامه بحث ماهیت قناعت، فکر می‌کنم اینجا تأکید شده است که امید پولس نه در سخاوت دیگران، بلکه در کسی است که مرا تقویت می‌کند. این همان چیزی است که پولس در آیه ۱۳ می‌گوید: من می‌توانم همه چیز را از طریق او که مرا تقویت می‌کند، انجام دهم. اینکه او به قناعت من وابسته نیست، به این بستگی دارد که آیا فیلیپیان یا کلیسای دیگری به نیازهای خدمت من یا به نیازهای شخصی من کمک خواهند کرد یا خیر.

این چیزی نیست که به پولس انگیزه و انگیزه می‌دهد. رضایت او در خداوند نهفته است زیرا خداوند قادر است او را تقویت کند تا هم در فراوانی و هم در نیاز زندگی کند. و من فکر می‌کنم این نکته‌ای است که باید در اینجا بر آن تأکید کنیم زیرا به توضیح آنچه ممکن است به عنوان عجیب بودن این تشکر بی‌دریغ تلقی کنیم، کمک می‌کند.

من فکر می‌کنم آنچه پولس در اینجا سعی در انجام آن دارد، اجتناب از برخی از مفاهیم ضمنی رابطه حامی-پیرو در دنیای یونانی-رومی است. بنابراین، در دنیای یونانی-رومی، ایده حامی و پیرو این بود که برای افرادی که فاقد امکانات بودند، رایج بود که خود را به کسی ثروتمندتر و بانفوذتر متصل کنند. و بنابراین این افراد که منابع داشتند، به عنوان حامی شناخته می‌شدند.

و در یک نسخه از این ساختار سیستم، مشتری صبح‌ها به ملاقات مشتری می‌آمد. و از مشتری انتظار می‌رفت که از فضایل و سخاوت مشتریان تعریف کند. و سپس مشتری در سطحی، شاید به نیازی که مشتری داشت، کمک می‌کرد.

و حامی از این کار چه چیزی به دست می‌آورد؟ افتخار و جایگاه. هرچه تعداد موکلان شما بیشتر بود، افتخار و جایگاه شما در بافت فرهنگی خاص آنها بالاتر بود. اما چیزی که با این حرف همراه است - و این تقریباً همیشه صادق است این است که وقتی کسی پول یا منابعی را به شخصی می‌دهد، می‌تواند این انتظار وجود داشته باشد که دهنده، در این مورد حامی، بتواند شرایط نحوه استفاده از آن منبع یا پول را تعیین کند.

و این انتظار وجود دارد که مشتری کاری را که مشتری می‌خواهد انجام دهد. بنابراین یک پویایی قدرت وجود دارد که می‌توانست رایج باشد. و من فکر می‌کنم کاری که پاول اینجا سعی دارد انجام دهد این است که با روشی که واکنش خود را به هدیه آنها توضیح می‌دهد، سعی دارد رابطه‌شان را از نو تعریف کند.

و اینطور نیست - من فکر نمی‌کنم پولس بگوید که فیلیپیان اینگونه فکر می‌کنند، اما پولس سعی می‌کند مطمئن شود که آنها اینطور فکر نمی‌کنند. اینکه صرفاً به این دلیل که فیلیپیان منابع و هدیه‌ای به پولس دادند، به این معنی نیست که فیلیپیان حامی و پولس موکل هستند. و اینکه پولس اکنون در قبال فیلیپیان موظف است که شاید دقیقاً همان کاری را که فیلیپیان می‌خواهند انجام دهد.

می‌خواهم تأکید کنم که هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که نشان دهد فیلیپیان اینگونه فکر می‌کردند. اما باید به خاطر داشته باشید که این زمینه فرهنگی است که هدایا اغلب در آن داده می‌شدند. و بنابراین پولس در تلاش است تا به آنها کمک کند تا ماهیت رابطه ما را دوباره تعریف و درک کنند.

و در نهایت چیزی که پولس به آنها کمک می‌کند تا ببینند این است که اینطور نیست که فیلیپیان حامی و پولس موکل باشند. بلکه خدا حامی است و پولس و فیلیپیان هر دو موکل هستند. و اینکه آنها منابع را تحت حمایت، یعنی اقتدار خود خدا، با هم به اشتراک می‌گذارند.

بنابراین او سعی دارد به آنها کمک کند تا درک کنند که انجیل، درک ما را از چگونگی کارکرد این نوع ترتیبات مالی در جهان باستان تغییر می‌دهد. بنابراین فکر می‌کنم این به توضیح این الگوی تصدیق، توضیح، و صلاحیتی که او در این بخش خاص مطرح می‌کند، کمک می‌کند. حالا می‌خواهم روی دو کلمه کلیدی در اینجا تمرکز کنم، نوعی افراط و تفریط.

پولس در مورد اینکه چگونه راز فروتنی و چگونگی فراوانی را آموخته است، صحبت می‌کند. بنابراین، اصطلاح فروتنی را می‌توان به عنوان نیازمند بودن یا تقریباً بدون هیچ چیز زندگی کردن ترجمه کرد، همانطور که ترجمه جدید زندگی می‌گوید. من فکر می‌کنم این مفهوم را به خوبی منتقل می‌کند.

اما این بخش از همان خانواده کلمات است که با ایده فروتنی در فصل ۲ آیه ۳ و ۸ و فصل ۳ آیه ۲۱ مرتبط است. و باز هم، اینجاست که اغلب در ترجمه انگلیسی، آشکار کردن برخی از این ارتباطات بین کلمات مرتبط دشوار است زیرا تطابق یک به یک بین یونانی و انگلیسی وجود ندارد. و به همین دلیل است که استفاده از زبان‌های اصلی برای اشاره به برخی از این ارتباطات مفید است.

اما نکته این است که من فکر می‌کنم او عمداً از چنین زبانی استفاده می‌کند تا از نظر مفهومی به آنچه در فصل دوم در مورد تحقیر شدن یا زندگی در حالت فروتنی یا تواضع صحبت کرد، مرتبط شود. و این نکته‌ای است که من فکر می‌کنم او سعی دارد آن را برجسته کند، اینکه او، به قول خودش، راز را آموخته است. و جالب است که چگونه از این اصطلاح استفاده شده است.

در دنیای باستان، این اصطلاح در ارتباط با ادیان رمزآلود به کار می‌رفت. و حالا، اگر با ادیان رمزآلود آشنا نیستید، باید بگویم که مجموعه‌ای از ادیان مختلف بودند که بسیار سری بودند. برای ورود به آنها، آیین‌های خصوصی وجود داشت که باید انجام می‌دادید.

و آنها گاهی اوقات در حاشیه عمل می‌کردند، به دور از خدایان سنتی. و این اصطلاح راز اغلب در ارتباط با آیین‌های تشریف به یکی از این ادیان اسرارآمیز استفاده می‌شد. و بنابراین پولس لزوماً از آن به آن معنا استفاده نمی‌کند.

اما کاری که او می‌کند این است که می‌گوید، ببینید، کلید یا نقطه ورود به این رضایت، همانطور که در آیه ۱۲ می‌گوید، این است که می‌گوید، من می‌دانم چگونه خوار و ذلیل شوم. من می‌دانم چگونه در هر شرایطی ثروتمند شوم. من راز مواجهه با فراوانی و گرسنگی، فراوانی و نیاز را آموخته‌ام.

و سپس آیه ۱۳ به این راز می‌رسد. این کلید زندگی به شیوه‌ای است که به فراوانی یا کمبود وابسته نیست. او می‌گوید، من می‌توانم همه کارها را از طریق او که مرا تقویت می‌کند، انجام دهم.

و بنابراین باید کمی بیشتر به منظور پولس در آیه ۱۳ بپردازیم. فکر می‌کنم مهم است که با دقت بیشتری به این موضوع فکر کنیم، زیرا این آیه‌ای است که می‌بینیم مردم در فرهنگ ما از آن استفاده می‌کنند. و فکر می‌کنم آنها اغلب آن را به اشتباه به کار می‌برند. و تقریباً به عنوان این جمله دیده می‌شود که من می‌توانم هر کاری انجام دهم.

اما اگر ذهنم را روی آن متمرکز کنم و از مسیح بخواهم که مرا تقویت کند، می‌توانم هر کاری را انجام دهم. و شاید این فقط نظر من باشد، اما من معمولاً این را زیاد می‌بینم، شاید در عرصه ورزش، جایی که می‌بینید ورزشکاران آیه فیلیپیان را روی کفش‌های کتانی خود یا روی چشم‌هایشان یا چیزی شبیه به آن قرار می‌دهند. و این روش آنها برای گفتن ۴:۱۳ این است که من می‌توانم هر کاری را اینجا از طریق مسیح که مرا تقویت می‌کند، انجام دهم.

و من سعی ندارم اصالت ایمان یا خلوص نیت آنها را در فداکاری برای خداوند بی ارزش جلوه دهم. اما فکر می‌کنم آنها شاید نکته اصلی آنچه پولس در اینجا می‌گوید را درک نمی‌کنند. این تأکید چندان مثبت‌اندیشانه نیست، بلکه اعتمادی عمیق و پایدار است، اعتماد به قدرت و تدبیر مسیح برای همه نیازهای ما.

نه لزوماً خواسته‌های ما، نه لزوماً امیال ما، بلکه نیازهای ما. و بنابراین فکر می‌کنم یادآوری این زمینه ارزشمند است که این چیزی که در ترجمه چوبی می‌آید، در کسی که مرا تقویت می‌کند، خواهد بود. بنابراین به جای گفتن، به جای خواندن، می‌توانم همه کارها را از طریق او که مرا تقویت می‌کند انجام دهم، که مطمئناً یک ترجمه ممکن است.

همچنین می‌توان آن را اینگونه ترجمه کرد: من می‌توانم همه کارها را در او که مرا تقویت می‌کند، انجام دهم. و اگر چنین باشد، نکته این است که چون ما در قلمرو مسیح، در حوزه مسیح هستیم، می‌توانیم همه کارها را در طیف وسیعی از زندگی در فراوانی تا زندگی در من انجام دهیم. و بنابراین فکر می‌کنم این زمینه وسیع‌تر فیلیپیان، فصل چهارم، آیه ۱۳ است.

حال، همانطور که به آیه ۱۴ می‌پردازیم، پولس در مورد رابطه خود با کلیسای فیلیپی تأمل می‌کند. او به منحصر به فرد بودن فیلیپیان اشاره می‌کند. او در آیه ۱۵ می‌گوید، شما فیلیپیان خود می‌دانید که در ابتدای انجیل، هنگامی که من مقدونیه را ترک کردم، هیچ کلیسایی جز شما در دادن و گرفتن با من شریک نشد.

در شماره ۱۶، حتی در تسالونیک، شما بارها و بارها برای رفع نیازهایم به من کمک فرستادید. بنابراین، توقف بعدی پولس پس از ترک فیلیپی، تسالونیک بود. بنابراین، وقتی او در فیلیپی تقریباً از شهر رانده شد، در نهایت به تسالونیک رسید.

و بنابراین وقتی اینجا، آیه ۱۶، می‌گوید، حتی در تسالونیک، شما بارها و بارها برای رفع نیازهایم به من کمک فرستادید این نشان می‌دهد که فیلیپیان چقدر سریع با پولس در اعلام انجیل از همان ابتدا همکاری سخاوتمندانه‌ای داشتند. و این یکی از دلایلی است که فکر می‌کنم کلیسای فیلیپی چنین جایگاه ویژه‌ای در قلب پولس داشت.

پولس، به عنوان یک قاعده کلی، در پذیرش حمایت مالی بسیار محتاط بود. باز هم، تا حدودی به این دلیل که من به این پویایی حامی-پیرو در فرهنگ یونان و روم فکر می‌کنم که او می‌خواست از ظاهر شدن به عنوان مشتری یک حامی اجتناب کند. و دلیل دومی که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که در واقع پدیده‌ای نسبتاً رایج از این معلمان سیار در سراسر جهان باستان بود.

و آنها به شهر می‌آمدند و جمعیت زیادی را گرد هم می‌آوردند و برایشان نمایش اجرا می‌کردند و آموزش می‌دادند و مردم به آنها پول می‌دادند. و بعد وقتی که شروع به خشک شدن کرد و مردم دیگر کمک نکردند، آنها به شهر بعدی می‌رفتند. و پولس می‌خواست از هر نوع ارتباطی با آن اجتناب کند.

او می‌خواست روشن کند که من اینطور نیستم، این چیزی نیست که هستم. و بنابراین او در پذیرش هدایای مالی بسیار مردد بود، زیرا می‌خواست مطمئن شود که انگیزه‌ها درست هستند و برداشت از دلیل دریافت آنها اشتباه برداشت نشود. بنابراین، دوباره، فکر می‌کنم این فقط به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که چه روشی برای تشکر کردن بسیار عجیب به نظر می‌رسد.

در فرهنگ ما، فقط انتظار داریم کسی بگوید، از اینکه برای من پول یا غذایی فرستادی که به من کمک می‌کند متشکرم من از شما بسیار سپاسگزارم، برایتان دعا می‌کنم. اگر راهی وجود دارد که بتوانم بیشتر برای شما دعا کنم، لطفاً به من اطلاع دهید.

با عشق، مت. اما این کاریه که ما انجام می‌دیم. این روشیه که تو فرهنگ ما رواج داره.

و با این حال، این دقیقاً روشی نیست که در دنیای باستان رایج بود. و بنابراین پولس با دقت در این مسیر حرکت می‌کند. بنابراین فیلیپیان از همان ابتدا سخاوتمند بودند و به پولس کمک می‌کردند.

و یک بار دیگر، ما این زبان مشارکت یا رفاقت را اینجا در آیه ۱۵ می‌بینیم، وقتی که او می‌نویسد، هیچ کلیسایی وارد مشارکت نشد. این همان کلمه یونانی است که در آنجا آمده است، کوینونیا، به معنای رفاقت با من در دادن و گرفتن. جز فقط با شما. بنابراین، این خلاصه‌ای از رابطه او با فیلیپیان است.

و حالا او می‌خواهد در مورد هدفش صحبت کند. هدف پولس از دریافت این هدیه چیست؟ او در آیه ۱۷ این را روشن می‌کند: نه اینکه من به دنبال خود هدیه باشم، بلکه به دنبال ثمره‌ای هستم که به اعتبار شما بیفزاید. او می‌گوید اولویت نهایی من صرفاً دریافت هدیه نیست.

می‌خواهم ببینم از این کار چه بهره‌ی معنوی‌ای می‌بری. منتظرم ببینم خدا چطور از طریق بخششی که به من می‌دهی، تو را برکت می‌دهد. حالا، باید خیلی مراقب باشم وقتی چنین چیزهایی را در متن خودمان می‌گوییم، چون معلم‌های دروغینی هستند که چنین چیزهایی را تحریف می‌کنند.

و ما چیزهایی مثل این خواهیم گفت، خب، اگر می‌خواهی خدا تو را برکت دهد، باید این مبلغ زیاد پول را به خدمت من. یا کلیسای من بدهی. و این چیزی نیست که پولس اینجا می‌گوید. او به سادگی می‌گوید، من از این هدیه سپاسگزارم.

من حتی بیشتر از منفعت معنوی که خداوند از طریق آن در زندگی شما ایجاد خواهد کرد، هیجان‌زده‌ام. هدف دومی که او مطرح می‌کند، شادی آنهاست. او نمی‌گوید که من به دنبال هدیه هستم، بلکه به دنبال ثمره‌ای هستم که به اعتبار شما افزوده شود.

من تمام دستمزدم را دریافت کرده‌ام و حتی بیشتر از آن. من به خوبی تأمین شده‌ام، زیرا هدایایی را که شما فرستاده بودید از اپافرودیتوس دریافت کرده‌ام، هدیه‌ای معطر، قربانی‌ای مقبول و مورد پسند خدا. بنابراین او می‌خواهد ببیند که فیلیپیان از ادامه همکاری با او در پیشبرد انجیل، شادی را تجربه می‌کنند.

و در آیه‌ای که آنجا خواندم، آیه ۱۸، متوجه می‌شوید که پولس این هدیه را به زبان قربانی بیان می‌کند. او می‌گوید هدایایی که شما فرستادید، هدیه‌ای معطر، قربانی‌ای مقبول و مورد رضایت خداست. و حالا می‌خواهم این نکته را متوجه شوید.

پیش از این در مورد این پویایی رابطه حامی-پیرو و اینکه چگونه پولس سعی می‌کند به فیلیپیان کمک کند تا در مورد آن متفاوت فکر کنند، صحبت کردیم. و بنابراین اشاره کردم که هم پولس و هم فیلیپیان موکلان خدا، یعنی حامی، هستند. او اینگونه این موضوع را تغییر خواهد داد.

اما تصویر این است. او به جای فیلیپیان می‌گوید، به جای اینکه فکر کند فیلیپیان مستقیماً به پولس می‌دهند، پولس می‌گوید شما فیلیپیان‌ها، در واقع این را به خدا دادید، و سپس خدا آن را به من داد. و بنابراین او سعی دارد حتی این را هم تغییر دهد، که این صرفاً یک معامله افقی نیست که در آن فیلیپیان بگویند، خب، ما این منابع را داریم.

ما می‌خواهیم برای شما برکت باشیم. بیایید آنها را برای شما بفرستیم. او می‌گوید که این یک عمل پرستشی بوده است، که این بخشش، عبادت خداوند بوده است که توسط خدا برای تأمین نیازهای پولس استفاده شده است.

و به شما پیشنهاد می‌کنم که دقیقاً همین اتفاق می‌افتد وقتی ما در کلیساهای محلی خود کمک می‌کنیم: می‌توانیم به آن اینطور فکر کنیم که، خب، من به کلیسا کمک می‌کنم. خب، از یک نظر، این درست است، اما در نهایت کمک ما به خداوند است، که سپس کلیسای خود را هدایت می‌کند تا از آن منابع برای پیشرفت انجیل، برای پیشرفت مأموریت کلیسا استفاده کند. و بنابراین وقتی به یک کلیسای محلی کمک می‌کنیم، باید در مورد آن اینطور فکر کنیم که من این را به خدا می‌دهم، و او این منبع را به کلیسا هدایت می‌کند تا از آن برای اهداف خود استفاده کند.

و بعد توجه کنید که او با این نکته از کفایت خدا تمام می‌کند، درست است؟ او در آیه ۱۹ می‌گوید، خدای من هر نیاز شما را بر اساس ثروت خود در جلال در مسیح عیسی تأمین خواهد کرد. می‌بینید، منبع نهایی سخاوت ما، ثروت خداست. و این تنها در صورتی مؤثر است که ما درک کنیم که هر آنچه داریم در نهایت متعلق به خداست، و ما احمق هستیم.

بنابراین این طرز فکر اشتباهی است که فکر کنیم، خب، خدایا، می‌دانی، ما این منابع را داریم و تنها چیزی که خدا از ما می‌خواهد ۱۰ درصد است. او فقط از ما می‌خواهد که بگوییم، می‌توانید ۹۰ درصد را نگه دارید. من فقط ۱۰ درصد می‌خواهم، لطفاً.

این تمام چیزی است که من می‌خواهم. این طرز فکری نیست که ما باید در مورد منابع خود داشته باشیم. واقعیت این است که خدا می‌گوید اینها هدایا و منابع من به تو هستند و تو یک مباشر هستی.

و ما امروزه تمایل نداریم از این اصطلاح زیاد در متن خود استفاده کنیم، اما یک مباشر کسی است که وسایل شخص دیگری را مدیریت می‌کند. یادم می‌آید وقتی فرزندانم کوچک بودند، چند دوست داشتیم که به تعطیلات رفته بودند و به کسی نیاز داشتند که از ماهی‌هایشان مراقبت کند. بنابراین آنها تنگ ماهی را می‌آوردند و، می‌دانید، ما مسئول غذا دادن به آنها و تمیز کردن آب و از این قبیل کارها بودیم.

بچه‌هایم در آن زمان نسبتاً کوچک بودند. احتمالاً پنج، دو، شش و سه ساله بودند، شاید. و من فقط به یاد دارم که پدر خانواده وحشت داشت که مبادا آن ماهی در حالی که دوستانم در تعطیلات هستند، بمیرد.

و من مثل یک شاهین داشتم تماشا می‌کردم، و سعی می‌کردم به آرامی پسرهایم را تشویق کنم، مثلاً، خب، وقت غذا دادن به ماهی‌هاست. امروز به ماهی‌ها غذا دادید؟ بله؟ اوه، حالا چند روز گذشته. باید آب را عوض کنیم و این کار را خیلی با دقت انجام دهیم چون آنها نمی‌توانند ماهی را بکشند چون آن ماهی مال ما نیست.

اینها دوستان ما هستند. و ما باید وقتی برگردند به آنها پاسخگو باشیم. آنها انتظار دارند، خب، ببایید ماهی‌هایمان را ببینیم.

حالت چطوره؟ و اگر روی سطح آب شناور باشه، بی‌جان، وارونه، پس این یه مکالمه‌ی ناشیانه‌ست. متأسفم. وقتی شما رفته بودید تعطیلات خوبی داشته باشید، ماهی شما زنده نمونده.

و خب، این یک مثال احمقانه است، اما حس سرپرستی است: من باید از این مراقبت کنم. این مال من نیست. و من قرار است به صاحبش در مورد اینکه چطور از آن مراقبت کرده‌ام، پاسخگو باشم.

این در مورد منابع ما صادق است. این در مورد درآمد شما، خانه شما و چیزهایی که ممکن است به طور طبیعی به اندازه وقت شما به آنها فکر نکنیم، صادق است. وقت ما به عنوان یک منبع، هدیه‌ای از جانب خداست.

و بنابراین گاهی اوقات وقتی در مورد سخاوت صحبت می‌کنیم، افرادی که توانایی مالی زیادی ندارند ممکن است فکر کنند، خب، من چیز زیادی برای بخشیدن ندارم. بنابراین این واقعاً در مورد من صدق نمی‌کند. اما کلمه‌ای که واقعاً در مورد افرادی که ثروت یا منابع زیادی دارند که می‌توانند ببخشند یا چیزی شبیه به آن صدق می‌کند.

و واقعیت این است که هر آنچه داریم از خداست. و بنابراین وقت و انرژی و سایر چیزهایی که داریم، منابع خدا هستند که به ما داده شده‌اند تا برای دیگران نعمت باشیم. و بنابراین وقتی درک کنیم که هر آنچه داریم از خداست و ما متولیانی هستیم که باید از آن به نحوی استفاده کنیم که او را گرامی بدارد، می‌توانیم سطوحی از سخاوت را نسبت به دیگران آزاد کنیم که واقعاً می‌تواند برای آنها و همچنین برای ما نعمت باشد.

بنابراین، می‌توان گفت که در این بخش، پولس هوابیما را فرود می‌آورد. و توجه داشته باشید که بیان نهایی در اینجا یک ستایش است. درست است.

آیه ۲۲، خدای پدر ما تا ابد جلال باد. آمین. بنابراین تمرکز بر خدا و جلال او باقی می‌ماند، همانطور که از طریق سخاوت فیلیپیان بزرگ‌نمایی شده است.

خب، این ما را به سلام‌های پایانی، آیات بیست و یکم تا بیست و سوم می‌رساند. و باز هم، گاهی اوقات وسوسه می‌شویم که از این آیات سرسری بگذریم، چون به نظر سنگین یا پرمحتوا نمی‌رسند. با این حال، چیزهایی در اینجا وجود دارد که می‌توانیم در مورد آنها تأمل کنیم.

اول، بر سلام و احوالپرسی از سوی دیگر ایمانداران تمرکز دارد. و این نکته ظریفی است، اما بسیار مهم است. این بر ماهیت جهانی کلیسا تأکید دارد.

یکی از برکات بزرگ سفر و رفتن به نقاط مختلف جهان، نقاط مختلف کشور، ملاقات با مسیحیانی است که قبلاً هرگز ندیده‌اید. و شما وارد یک کلیسا می‌شوید، یا در موقعیتی قرار می‌گیرید که در نزدیکی آنها هستید. و به دلیل اعتماد مشترک شما به عیسی، پیوندی فوری از قبل وجود دارد.

و ممکن است وسوسه شویم که فکر کنیم، خب، می‌دانید، در دنیای باستان، کلیساهای منزوی زیادی در سراسر جهان وجود داشتند. و در واقع تعامل زیادی بین این کلیساها وجود داشت. مردم از جایی به جای دیگر سفر می‌کردند.

آنها به دنبال ایمانداران دیگر می‌گشتند و از پیشرفت انجیل خبر می‌دادند. بنابراین پولس با این جمله شروع می‌کند: به همه مقدسین در مسیح عیسی سلام برسانید. برادرانی که با من هستند به شما سلام می‌رسانند.

و سپس آیه ۲۲، همه مقدسین به شما سلام می‌رسانند، به خصوص اهل بیت قیصر. و بنابراین اهل بیت قیصر اصطلاحی کلی برای افرادی بود که در بوروکراسی بزرگتر امپراتوری روم مشغول بودند. افرادی که تحت استخدام امپراتور روم هستند، درود می‌فرستند.

و این دوباره به ما یادآوری می‌کند که در فصل اول، چگونه انجیل در مناطقی که دسترسی به آنها دشوار بود، در حال پیشرفت است. مگر اینکه پولس در موقعیتی که واقعاً هست قرار می‌گرفت. بنابراین این سلام‌های پایانی، زمینه را برای آخرین سخنان پولس در آیه ۲۳ فراهم می‌کند.

فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما باد. و اگر به یاد داشته باشید، نامه اینگونه شروع شد. درست بعد از اینکه او خود را معرفی می‌کند و سپس فیلیپیان را معرفی می‌کند و سپس به آنها اشاره می‌کند.

او چگونه به آنها سلام می‌کند؟ فیض و آرامش بر شما باد. و بنابراین او این نامه را با فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما به پایان می‌رساند. و این یک جمله‌ی بی‌ربط نیست.

این روشی برای تأکید بر این است که کل محتوای نامه در چارچوب فیض خداست. و این در واقع یک ویژگی مشترک در نامه‌های پولس است. او در ابتدا و سپس در انتها به فیض اشاره می‌کند.

و بنابراین حتی وقتی او چیزهای بسیار سخت و چالش برانگیزی می‌گوید، در نهایت می‌خواهد آن را در قالب لطف و رحمت الهی بیان کند. اینکه خدا به ما لطف داشته است. خدا همه این کارها را برای ما در عیسی مسیح انجام داده است.

و این یادداشتی است که او می‌خواهد آنها را در پایان نامه این ایده قرار دهد. اکنون شما به لطف خدا که با شماست، از این دنیا می‌روید. پس بیایید به تصویر کلی اینجا برگردیم و به ایده اصلی این متن نگاه کنیم.

مشارکت در انجیل ما را برای مأموریت تقویت می‌کند و ما را در فیض خدا متحد می‌سازد. و ما این را در دو بخش بعدی می‌بینیم، که به نوعی تجزیه و تحلیل متن در اینجا است.

اول اینکه مشارکت در انجیل ما را برای مأموریت توانمند می‌سازد. به ما رضایت می‌دهد. به جلال خدا و فیض خدا اعتبار می‌بخشد.

و این راهی برای به کمال رساندن کار او در این جهان است. و سپس بخش آخر، مشارکت آنها در انجیل ما را در فیض خدا متحد می‌کند. این در گرمی سلام و احوالپرسی و سپس یادآوری اینکه فیض خداوند عیسی مسیح با روح ماست، نشان داده شده است.

خب، کاربرد. چه فکری باید بکنیم؟ چه باوری باید داشته باشیم؟ چه آرزویی باید داشته باشیم؟ و اول باید چه فکری بکنیم یا چه چیزی را بفهمیم؟ قناعت در دارایی‌ها یا شرایط یافت نمی‌شود. ما به شدت وسوسه می‌شویم که فکر کنیم. قناعت از به دست آوردن چیزهای بیشتر و بیشتر حاصل می‌شود.

اینکه اگر من فقط خانه بهتر یا ماشین بهتر یا تعطیلات بهتر یا بیشتر از هر چیزی که تو از آن لذت می‌بری را به دست بیاورم، این برای تو رضایت به ارمغان می‌آورد. و این چیزی نیست که کتاب مقدس آموزش می‌دهد. دوم، باور داشته باش.

ما باید باور داشته باشیم که خداوند می‌تواند در هر شرایطی رضایت و خشنودی عطا کند. طبیعی است که ما احساس نارضایتی داشته باشیم، به خصوص وقتی که کمبود داریم یا نیازمند هستیم. و من سعی نمی‌کنم سختی‌هایی را که با نیازمندی همراه است، کوچک جلوه دهم.

اینها کاملاً واقعی هستند. اینها کاملاً مشروع هستند. و با این حال، پولس این وعده را می‌دهد که یک راز کتاب مقدسی برای یادگیری زندگی در فراوانی و کمبود وجود دارد.

و اینکه این در اعتماد به مسیح به عنوان کسی است که ما را تقویت می‌کند و برای ما کافی است. آرزو. من فکر می‌کنم ما باید اطمینان داشته باشیم که خدا تمام نیازهای من را برآورده خواهد کرد.

حالا، دوباره، باید در مورد نحوه تعیین معنی کلمه نیاز بسیار مراقب باشیم. می‌دانید، ما در شرایط فعلی اغلب فکر می‌کنیم چیزهایی مثل این خواهیم گفت، اوه، من واقعاً به آن تلفن همراه جدیدی که تازه آمده نیاز دارم. خب، آیا واقعاً به آن نیاز دارید یا فقط آن را می‌خواهید؟ ممکن است واقعاً به آن نیاز داشته باشید.

شاید مدل قبلی شما ده ساله باشد و دیگر کار نمی‌کند. اما، می‌دانید، اگر مدلی را که سال گذشته تازه عرضه شده است گرفته‌اید، آیا واقعاً به این مدل نیاز دارید یا فقط چیزی است که می‌خواهید؟ در نهایت، آیا واقعاً به آن نیاز دارید؟، این مدل کمی ناملموس‌تر از برخی از مدل‌های دیگری است که ما ساخته‌ایم.

اما این ایده این است که ما باید آگاهانه با وسوسه‌ی این فکر که رضایت ما در دارایی‌هایمان یا شرایطمان نهفته است مبارزه کنیم. بنابراین، به پایان مطالعه‌مان در کتاب فیلیپیان می‌رسیم: در انجیل عیسی مسیح شاد باشید. و بنابراین امیدوارم که خداوند در طول مدتی که در فیلیپیان هستیم، شما را برکت داده باشد.

و اینکه این به عنوان یک سکوی پرش برای مطالعه شخصی شما در مرور آن، خواندن، تأمل و تفکر در مورد حقایق باشکوهی که در فیلیپیان می‌یابیم، عمل می‌کند. و بنابراین فکر می‌کنم مناسب است که با پایان دادن به روشی که فیلیپیان به پایان می‌رسد، با یادآوری آیه ۲۳ از فصل ۴، پایان دهیم، فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما باد.

این دکتر متیو اس. هارمون در آموزه‌های خود در مجموعه فیلیپیان است: در انجیل عیسی مسیح شاد باشید. این جلسه ۱۳ است، کفایت خدا برای همه نیازهای ما. فیلیپیان ۴: ۱۰-۲۳.